

در فضیلت اردو

بخش اول



در فضیلت اردو!

هیچ وقت در محرم و صفر به اردو نمی‌رویم. یک ماه هم از محرم گذشت و ما همچنان به اردو نرفتیم. اگر امروز با هم سفر نمی‌رفتیم کلاس ناراحت می‌شد و مربی ناراحت تر.

نگاه‌های بچه‌ها به مربی مثل ساعت سخن گو دم به دم دم، رفتن را یاد آوری می‌کند.

اما من مربی معرفت و آداب نوجوان هستم مسئول اداره گردشگری و صنایع دستی که نیستم!

ولی این «اما» خطاست. سفر بخشی از آدابی است که باید به این خوبان نشان دهم. تقریباً همه دانستنی‌ها را می‌دانند حالا وقت نشان دادن است.

نمی‌دانم چرا بعضی مربیان فکر می‌کنند مسئولیت آنها فقط سخنرانی و وعظ از ارتفاع دو متری است؟ برای بعضی از این عزیزانم دو متر فاصله زیادی است. نمی‌دانم چرا بعضی‌ها صدای ارکستر را از فاصله دو کیلومتری می‌شنوند اما فریادهایی که از بالای منبر به زمین می‌رسد با اینکه نزدیک است نمی‌شنوند؟

چاره‌ای نیست. ممکن است از این بعضی در «حلقه صمیمی» شما هم باشند. پس لازم است جواب این «چرا» را کشف کنید.

آیا این فاصله دلیلی دارد یا آن‌که دلیلی ندارد تا آن را متوجه بشوم؟

خلاصه اینکه مربی وظیفه دارد هم سطح و مانند یک دوست صمیمی کلمات را برای مربی «هجی» کند.

چون اگر از بالا به پائین خطاب کنی، غرور آمیز است.

و اگر از پائین به بالا خطاب کنی مخاطب تو را ذلیل و حقیر می‌بیند. پس تنها راه این است که اگر از مخاطب بالاتری، آن قدر تواضع کنی که هم سطح او شوی.

دوست من نگران نباش که بزرگیت به باد فنا می‌رود و نمی‌توانی خودت را نشان دهی، چون با این کار خودت را به بهترین نفر که خدای جهان است نشان می‌دهی.

بنی آدم دوستان هم سطح خود را بهتر می‌فهمند.
پس تواضع به معنای کوچک کردن خود در نگاه متربی نیست.
ولی چرا سخن از اردو به تواضع رسید؟ چون وقتی تکبر باشد «برگزاری
اردو» در خطر می‌افتد!

بخش دوم: در فضیلت اردو

دو

پیشنهاد می‌شود درس‌های معرفتی و خدا شناسی در دل طبیعت و دامن
کوهساران و زیر آسمان پر ستاره انجام شود که مانند وسایل کمک
آموزشی درس‌های علوم و ... عمل می‌کند.
یکی از راههای تبلیغ توحید خداوند بیان عجائب و لطائف خلقت است.
پس چه بهتر به موازات ادای کلمات تصویر ستاره و ماه و ... بالای سر
شنونده حاضر باشد.
و ... تصویر ستاره و ماه و ... بالای سر شنونده حاضر باشد.

بعضی‌ها به بهانه آنکه مربی هستند و اهل گردش نیستند خود و حلقه
را از اردو محروم می‌کنند. درحالی که اردو هم بخشی از مستحبات
اسلامی است. به شرطی که در راستای تقویت توحید معرفت خدا باشد.
اگر وظیفه مربی انتقال شریعت و حقیقت به جان و قلب متربیان است پس
چرا باید از اردو غافل باشد؟ آیا آداب سفر از آداب اسلام نیست؟

بخش سوم: در فضیلت اردو

سه

اردو فرصت با هم بودن است. همان فرصتی که معمولاً مربیان باید به
دنبال آنها باشند تا آنچه را گفته اند در عمل به متربیان خود
نشان دهند.
امروز بعد از سه ماه با دوستانم به اردو رفتم آیا من می‌توانم
این وظیفه را به خوبی نشان دهم؟
متربیان چه رفتارهایی از من شنیده اند و چه رفتارهایی می‌بینند؟
حکایتیست این و قلب نقطه تفکرات مربی. مربی باید تمرکز کند و عمل
و گفتار خود را یکپارچه کند.
گاهی ادم ضد و نقیض سخن می‌گوید و ضد و نقیض عمل می‌کند؛ و گاهی

توحیدی می گوید و یکتا عمل می کنند.
همان طور که اساس دین ما توحید است اساس اعمال ما هم باید نوعی
انعکاس توحید و یکپارچی شود.

<http://www.t-salehin.blogfa.com>